

عیسی امیدوار از پیشگامان جهانگردی معاصر در ایران، به علت بیماری و کهولت سن در بیمارستان بستری شد. به گزارش ایسنا، انوشیروان محسنی بندپی معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، سیدمحسن میر مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد و موسوی مسئول موزه برادران امیدوار در مجموعه سعدآباد، از عیسی امیدوار اولین

### عیسی امیدوار

### در بیمارستان بستری شد

# سواد رسانه‌های سپرملت در جنگ رمضان

چگونه رسانه‌های ایران پروژه «شوک ادراکی» دشمن را خنثی کردند؟



داوود فریدپور

استاد علوم ارتباطات

جنگ رمضان افزون بر ابعاد سخت و نیمه‌سخت جنگ‌های کلاسیک، میدانی برای نبرد شناختی با هدف تصاحب ذهن‌ها، مدیریت ادراک عمومی و شکل دهی به واقعیت بود. در این میدان، رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران از جمله سازمان صداوسیما،

خصوصا شبکه خبر، رسانه‌های رسمی و پلفرم‌های داخلی، نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی ایفا کردند. این رسانه‌ها به‌منابه «قرارگاه جنگ نرم» عمل کردند و با بهره‌گیری از نظریه‌های ارتباطات، به‌ویژه نظریه «وابستگی به اطلاعات» و نظریه «مدیریت ادراک مخاطب».. تلاش کردند نیازهای شناختی جامعه را در بحران پاسخ دهند. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌ها و دستاوردهای شناختی این عملکرد را با قلم دکتر داوود فریدپور عضو هیأت علمی دانشگاه، استاد علوم ارتباطات و پژوهشگر ارشد مطالعات راهبردی رسانه و جنگ شناختی مورمی‌شود.

#### حضور دائمی؛ مؤلفه بازآرندگی شناختی

اولین و محوری‌ترین ویژگی شناختی عملکرد رسانه‌ای ایران، تحقق «حضور دائمی» به‌عنوان مؤلفه بازآرندگی شناختی بود. در شرایط جنگ شناختی، قطع یا تضعیف جریان اطلاعات از سوی رسانه رسمی، به‌منزله واگذاری میدان به دشمن است. رسانه‌های ایران با تضمین «پخش زنده و بی‌وقفه» حتی هنگام حملات به زیرساخت‌ها توانستند نیاز اساسی جامعه به «اطمینان از تداوم ارتباط با حاکمیت» را تأمین کنند. برای مثال در ساعات اوج حملات سایبری و اختلال در شبکه‌های مخابراتی، پخش زنده شبکه‌های سراسری و شبکه‌خبر از طریق مسیرهای پشتیبان و ایستگاه‌های سیار ادامه یافت. مخاطبان در سراسر کشور تأیید کردند حتی در مناطقی که اینترنت قطع بوده، تلویزیون بدون وقفه قابل دریافت است. این قابلیت، نظریه وابستگی به اطلاعات را پشتیبانی کرد و مردم برای رفع نیاز به اطلاعات و احساس امنیت، به رسانه پایدار مراجعه کردند.

#### قاب‌بندی واحد؛ تقویت همبستگی ملی

«قاب‌بندی واحد» دومین ویژگی برجسته و پس از مؤلفه «حضور دائمی» قرار دارد. براساس نظریه مدیریت ادراک مخاطب (اکافن)، رسانه‌با انتخاب و برجسته‌سازی برخی وجوه یک رویداد، چارچوب ذهنی مخاطب را شکل می‌دهد. رسانه‌های ایران جنگ رمضان را نه به‌عنوان یک بحران صرف بلکه به‌عنوان حماسه‌ای ملی قاب‌بندی کردند. کلیدواژه‌هایی نظیر «جنگ رمضان»، «وعده صادق ۴»، «مقاومت در زمان» و «تاب‌آوری ملی» محور این قاب‌بندی بودند. به‌عنوان نمونه عینی، پوشش راهپیمایی‌های میلیونی حمایت از مقاومت در شهرهای مختلف، با نمادهای نزدیک از خانواده‌ها، اقشار مختلف سنی و صنفی و استفاده از موسیقی‌های حماسی با مضامین ملی‌ومذهبی، قاب وحدت ملی را تقویت کرد. در مقابل، رسانه‌های معاند تلاش می‌کردند جنگ را به‌عنوان شکست فروپاشی قاب کنند اما رخ پایین باورپذیری به این روایت در نظرسنجی‌های داخلی (حدود ۹۰درصد احساس اقتدار و غرور) نشان دهنده موفقیت قاب‌بندی داخلی بود.

جهانگرد ایرانی عیادت کردند. عیسی و عبدالله امیدوار از پیشگامان جهانگردی معاصر در ایران هستند که به سرزمین‌های ناشناخته در قاره‌های آمریکا، آفریقا و قطب شمال و جنوب قدم گذاشته‌اند. سفر کم‌نظیر این دو برادر ماجراجو از سال ۱۳۳۳ خورشیدی آغاز شد. آنها نخست یک سفر هفت ساله با موتورسیکلت «ماچلس»

انگلیسی داشتند و بعد هم یک سفر سه ساله را با اتومبیل سیترون دو سیلندری که شرکت سیترون فرانسه هنگام بازگشت از سفر اول به آنها اهدا کرده بود انجام دادند. موزه برادران امیدوار از جمله مکان‌های تاریخی در مجموعه سعدآباد بوده که در حمله نظامی آمریکا و اسرائیل در ۲۶ اسفندماه ۱۴۰۴ آسیب جدی دید.



# جام جم

## فرهنگ +

## CULTURE +

۲ سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۱۰

#### یادداشت

امیرحسین حیدری آگروه فرهنگ

## رازهای هولناک اتاق قرمز

«اتاق قرمز» نوشته ادوگاو رانیو، یکی از نمونه‌های شاخص ادبیات معمایی و گوتیک ژاپن است؛ اثری کوتاه اما تأثیرگذار که به خوبی نشان می‌دهد چگونه می‌توان با یک ایده ساده، ذهن خواننده را تا پایان داستان درگیر نگه داشت. رانیو که نام هنری‌اش ادای دینی به ادگار آلن پو است، از پیشگامان ادبیات جنایی و رازآلود ژاپن به‌شمار می‌رود و در این داستان نیز همان فضای وهم‌آلود، بازی ذهنی و پیچش‌های غیرمنتظره‌ای را ارائه می‌کند که مخاطب را غافلگیر می‌کند.

داستان «اتاق قرمز» مجموعه داستانی درباره افرادی است که در فضایی نیمه‌مرموز گردهم آمده‌اند تاهریک داستان‌های عجیب و تکان‌دهنده‌شان را تعریف کنند. به‌عنوان مثال در میان آنها مردی ظاهر می‌شود که ادعا می‌کند روش خاصی برای ارتکاب قتل پیدا کرده است؛ روشی که در عین خلاقانه‌بودن، به‌گونه‌ای طراحی شده که از نظر قانونی قابل اثبات نباشد. او شروع به روایت تجربه‌ها و ایده‌هایش می‌کند و به‌تدریج مخاطبان درون داستان و همچنین خواننده بیرون از آن را وارد نوعی بازی ذهنی می‌کند؛ بازی‌ای که مرز میان خیال، جنون و واقعیت را مهیهم می‌سازد.

آنچه «اتاق قرمز» را به اثری قابل توجه تبدیل می‌کند، شیوه روایت و فضاسازی آن است. رانیو با الهام از سنت گوتیک، فضایی رازآلود و تا حدی تاریک خلق می‌کند؛ فضایی که در آن حس تعلیق و انتظار مدام در حال افزایش است. خواننده از همان ابتدا می‌داند که قرار است با یک غافلگیری روبه‌رو شود اما با وجود این آمادگی ذهنی، داستان همچنان موفق می‌شود او را در پایان شگفت‌زده کند. این همان ویژگی‌ای است که بسیاری از آثار گوتیک و معمایی موفق دارند؛ حتی وقتی مخاطب منتظر پیچش داستانی است، باز هم نحوه اجرا را غافلگیر می‌کند.

از نظر ساختار، داستان بر ایده «قتل» به‌نقص «متممکز است؛ مفهومی که در ادبیات جنایی بسیار جذاب و بحث‌برانگیز بوده است. شخصیت اصلی با نوعی سردی و محاسبه‌گری درباره قتل صحبت می‌کند و این امر نوعی کشش روان شناختی در داستان ایجاد می‌کند. خواننده درعین حال که از نظر اخلاقی با این تفکر فاصله می‌گیرد، کنجکاو می‌شود بداند این ذهن چگونه کار می‌کند و تا کجا پیش می‌رود. همین تضاد میان کنجکاوی و وحشت، یکی از موتورهای اصلی تعلیق در داستان است.

باین‌حال، یکی از نقدهایی که گاهی به این اثر وارد می‌شود، تکراری شدن الگوی روایت در برخی بخش‌هاست. وقتی چند داستان کوتاه یا ایده مشابه پشت‌سرهم مطرح می‌شوند، ممکن است حس یکنواختی به خواننده منتقل شود و او صرفاً منتظر پایان یا پیچش نهایی بماند. البته همین پایان‌بندی غافلگیرکننده تا حد زیادی این یکنواختی احتمالی را جبران می‌کند.

در مجموع «اتاق قرمز» کتابی کوتاه، پرتعلیق و مناسب برای خوانندگانی است که به داستان‌های رازآلود، گوتیک و روان شناختی علاقه دارند. حجم کم و روایت جذاب آن باعث می‌شود حتی کسانی که عادت زیادی به مطالعه ندارند نیز بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. اگر به دنبال اثری هستید که در زمانی کوتاه ذهن شما را درگیر کند و در پایان ضربه‌ای غیرمنتظره بزند، «اتاق قرمز» از آن کتاب‌هایی است که ارزش خواندن دارد.

«اینا» و «بله» منتشر می‌شد. این کلیپ‌ها اغلب توسط شهروندان عادی (نه خبرنگاران حرفه‌ای) ضبط شده بود و همین امر باورپذیری آنها را افزایش می‌داد. بدین ترتیب یک «اکوسیستم روایی یکپارچه» شکل گرفت.

#### چهار دستاورد راهبردی

از منظر پژوهشگر ارشد مطالعات راهبردی رسانه، دستاورد‌های شناختی این عملکرد در چهار سطح قابل تعریف است:

۱. **خنثی‌سازی راهبرد «شوک ادراکی» دشمن:** رسانه‌های ایران باانتشار تدریجی اطلاعات، قاب‌بندی حماسی و حضور مستمر در میدان، مانع از تحقق هدف اصلی دشمن که ایجاد «شوک و فلج‌روانی» در ساعات اولیه جنگ‌بودشدند. نظرسنجی‌ها نشان داد سطح اضطراب عمومی در ایران در مقایسه با جنگ‌های مشابه در سایر کشورها به طرز معناداری پایین‌تر بود.

۲. **تبدیل «جنگ تحمیلی» به «منبع افتخار ملی»:** تغییر ادراک عمومی از جنگ به‌عنوان یک تهدید نابودکننده به موقعیتی برای نمایش وحدت و قدرت ملی، تاب‌آوری روانی جامعه را به‌طور چشمگیری افزایش داد و هزینه‌های روانی جنگ را کاهش داد.
۳. **افزایش اعتماد نهادی به رسانه رسمی:** در طول ۴۰ روز جنگ، میزان مراجعه به شبکه‌خبر و صداوسیما برای دریافت اخبار اصلی افزایش یافت. این افزایش اعتماد، سرمایه اجتماعی ارزشمندی است که می‌تواند در بحران‌های آتی نیز به‌کار گرفته شود.

۴. **افشای الگوهای عملیات روانی دشمن برای عموم مردم:** تولید محتوای آموزشی در مورد تکنیک‌های جنگ شناختی (نظیر تله تشدید، ساده‌سازی افراطی و استفاده از واژه‌های باردار منفی) باعث شد بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به پروپاگاندا مصونیت نسبی پیدا کند که دستاوردی بلندمدت برای سواد رسانه‌ای ملی است.

#### سخن پایانی

عملکرد رسانه‌های ایران در جنگ رمضان نشان دهنده بلوغ شناختی و توانایی در به‌کارگیری نظریه‌های مدیریت ادراک و وابستگی به اطلاعات در عمل بود. نکات برجسته‌ای نظیر «حضور دائمی»، «قاب‌بندی واحد»، «مرجعیت خبری»، «برنامه‌سازی چندلایه»، «مدیریت هیجانات»، «تولید روایت‌های خردآسانی»، «آموزش سواد رسانه‌ای» و «هماهنگی اکوسیستمی» توانستند نیازهای شناختی جامعه را پاسخ دهند و راهبرد‌های دشمن را خنثی کنند.

دستاورد نهایی، نه فقط شکست پروژه براندازی در آن مقطع بلکه افزایش تاب‌آوری روانی و اعتماد اجتماعی بود؛ سرمایه‌ای گرانبها برای آینده. با این حال، حفظ و تداوم این دستاوردها مستلزم آسیب‌شناسی مستمر و به‌روزرسانی تاکتیک‌های شناختی متناسب با تحولات جنگ‌های آینده است.

نوزاد در بیمارستان آسیب دیده، ازدواج ساده در مناطق بمباران شده یا خطبه عقد در بین مردم خیابان، به مخاطب یادآوری کردند که زندگی ادامه دارد. برای مثال، برنامه‌ریب‌بندنده «من ایرانم» که در کرداکتور جدید جنگ رمضان تولید شد، هر شب روایت یک خانواده، یک محله یا یک صنف را به تصویر می‌کشید که چگونه علی‌رغم تهدیدات به فعالیت خود ادامه می‌دهند. برنامه‌ای دیگر با تمرکز بر کودکان در مناطق جنگی، نقاشی‌ها و حرف‌های آنها را پخش می‌کرد که نماد مقاومت نسل آینده بود. این محتواها در شبکه‌های اجتماعی داخلی میلیون‌ها بار بازنشر شدند.

#### سواد رسانه‌ای کاربردی؛ واکنسیایون روانی

هفتمین ویژگی، «سواد رسانه‌ای کاربردی و آموزش تشخیص اخبار جعلی» بود. یکی از برجسته‌ترین ابتکارات شناختی در این جنگ، تولید محتوای آموزشی برای واکنسیایون روانی در برابر پروپاگاندا به‌شمار می‌رفت. رسانه‌های رسمی و نیز پویش‌های مردمی (مانند پویش «از وطن بگو») نه‌تنها اخبار معتبر منتشر می‌کردند بلکه تکنیک‌های دشمن برای واقعیت‌سازی (ساده‌سازی افراطی، استفاده از برجسب‌های قوی و شوک ادراکی) را افشا می‌کردند. به‌عنوان نمونه عینی، چندین خبرگزاری رسمی مجموعه توصیه‌هایی تحت عنوان «بمب‌های رسانه‌ای در جنگ رمضان؛ دو شبهه و چند توصیه» منتشر کردند که در آن به‌طور مشخص به شبهات رایج مانند «آیا ترور مسئولان نشانه فروپاشی نظام است» پاسخ می‌دادند. همچنین پویش «از وطن بگو» با دعوت از شهروندان برای ارسال فیلم‌ها و عکس‌های مستند از حضور مردم در خیابان‌ها و مراکز پشتیبانی، عملاً «روایت دست‌اول» را جایگزین روایت‌های جعلی شبکه‌های معاند کرد.

#### هماهنگی اکوسیستمی؛ جلوگیری از شکاف روایتی

هشتمین و آخرین ویژگی، «هماهنگی میان رسانه رسمی و پلنفرم‌های داخلی» با هدف جلوگیری از شکاف روایتی بود. در جنگ‌های شناختی، ایجاد شکاف میان رسانه دولتی و منابع غیررسمی داخلی، یکی از ابزارهای دشمن برای بی‌اعتبارسازی رسانه رسمی محسوب می‌شود. رسانه‌های ایران با فعال‌سازی و هماهنگی با پیام‌رسان‌ها، شبکه‌های اجتماعی داخلی و اپلیکیشن‌های پخش زنده، مانع از شکل‌گیری این شکاف شدند. برای مثال، پس از هر عملیات نظامی، همزمان با پخش اخبار از شبکه‌های تلویزیونی، هزاران کلیپ کوتاه از شادی مردم در خیابان‌ها، اهدای کمک‌ها و تجملعات حمایتی در پیام‌رسان‌های داخلی مانند

### اکران

### نمایش فیلم «مرگ یزدگرد» در مجموعه تئاتر لبخند

فیلم «مرگ یزدگرد» در مجموعه تئاتر لبخند نمایش داده می‌شود. این فیلم به کارگردانی بهرام بیضایی روز شانزدهم اردیبهشت‌ماه در سالن شماره ۲ این مجموعه به نمایش درمی‌آید. مدت زمان این فیلم حدود ۱۲۰دقیقه است. پس از پایان اکران فیلم، نشست نقد و بررسی آن با حضور محمد چرمشیر و به میزبانی عباس غفاری برگزار می‌شود. بیضایی نمایشنامه «مرگ یزدگرد» را در سال ۱۳۵۸ نوشت و دو سال بعد فیلمی با همین عنوان ساخت. این فیلم روایتگر ماجرای مرگ یزدگرد سوم است که به مرو می‌گریزد و به‌صورت ناشناس در آسیایی پناه می‌گیرد. داستان از زبان آسیایان روایت می‌شود؛ روایت‌هایی که هر کدام با دیگری متفاوت است. این نمایشنامه در سال‌های گذشته از سوی برخی مترجمان به زبان انگلیسی ترجمه شده. بیضایی علاوه بر کارگردانی سینما، در عرصه تئاتر نیز از نام‌آوران به‌شمار می‌رفت و آثار خاصی را به روی صحنه برد.



### قاب

### یک هنرمند عرصه هنرهای تجسمی درگذشت

علی‌محمد شیخی هنرمند پیشکسوت نقاش بر اثر بیماری دار فانی را وداع گفت. به گزارش مهر و به گفته سیدشهاب‌الدین شکیبا مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، زنده‌یاد شیخی چندماهه بود که از بیماری ریوی رنج می‌برد. این هنرمند همدوره‌ای زنده‌یاد حبیب‌الله صادقی، حسین خسروجردی و کاظم چلیپا در هنرستان هنرهای زیبای پسران در دهه ۵۰ بود و پس از آن نیز در حوزه هنری با یکدیگر جمع هنرمندان تجسمی انقلاب را تشکیل دادند. او تدریس در دانشگاه شهید رجایی، هنرستان‌ها و مراکز آموزشی هنری، ریاست موزه شهدا و ریاست هنرستان آیت‌الله قدوسی و... را در کارنامه خود ثبت کرده و در کنار آن سال‌ها به برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌های انفرادی و حضور در نمایشگاه‌های گروهی وجشنواره‌های مختلف پرداخت.



### رویداد

### نام فیلمساز ایرانی در بین داوران جشنواره کن

پویا عاقلی‌زاده فیلمساز و منتقد سینمای ایران داور فیپرشی جشنواره کن ۲۰۲۶ شد. این فیلمساز، منتقد و یکی از پنج عضو ایرانی فدراسیون بین‌المللی منتقدان، داور فیپرشی جشنواره کن ۲۰۲۶ خواهد بود. جشنواره فیلم کن بزرگ‌ترین رویداد سینمایی جهان است که امسال هفتاد و نهمین دوره خود را با فیلم‌هایی از آندره زویاگینتسف، از ۱۲ می تا ۲۳ می (۲۲ اردیبهشت تا ۲ خرداد) برگزار خواهد کرد. عاقلی‌زاده که پیش از این داور جشنواره کره جنوبی و جشنواره بوسان بوده، امسال در بخش اصلی «نوعی نگاه» به داوری آثار فیلمسازان جهان خواهد پرداخت. این مستندساز و منتقد سینما در حال حاضر، نگارش فیلمنامه سینمایی «فصل پرواز حباب‌ها» را در دست دارد که قرار است بعد از بازگشت او از جشنواره کن، آماده ساخت شده و در معرض دید مخاطبان قرار بگیرد.

